

فوت‌های ساده برای جلوگیری از سرقت



شاید خیلی‌ها فکر کنند نصب يك دزدگیر بسیار حساس یا قفل فرمان روی ماشین، جلوی سرقت را می‌گیرد. آن‌طور که کیومرث می‌گوید استفاده از وسایل اگر درست و اصولی باشد، حتما مانع سرقت می‌شود. «از کسانی که ماشین‌شان سرقت می‌شود همیشه می‌پرسم ماشینت قفل فرمان، قفل و زنجیر و سوئیچ مخفی داشت یا فرمانت را سمت جدول چرخانده بودی، هیچ‌وقت نشنیده‌ام بگویند بله. امکان ندارد این کارها را انجام بدهی و بعد ماشین را دزد ببرد. من همیشه بیشتر سراغ ماشین‌هایی می‌رفتم که امنیتش پایین بود و مثلاً قفل فرمان یا زنجیر نداشت و فرمانش صاف بود.»

او برای پیشگیری از سرقت ماشین به نکاتی اشاره می‌کند که شاید از نظر خیلی‌ها پیش پا افتاده و حتی خنده‌دار باشد، اما رعایت همین مسائل باعث می‌شود دزد به ماشین‌شان نزند. «مردم باید دقت داشته باشند که ماشین‌شان را کجا پارک می‌کنند. باید جایی پارک کنند که ماشین جلوی چشم دو نفر باشد. بارها وقتی می‌خواستم ماشین بدزد، اگر می‌دیدم يك نفر در پیاده‌رو نشسته است، بی‌خیال می‌شدم. در مورد قفل هم، قفل فرمان از قفل زنجیر بهتر است.

قفل زنجیر را به صندلی وصل کنند، نه به دستگیره متحرك زیر صندلی که صندلی را عقب و جلو می‌کند، چون باز می‌شود. يك سر زنجیر را به آن و سر دیگرش را به فرمان ماشین متصل کنند. هر جا هم که پارک کردند، فرمان را به طور کامل به سمت راست یا چپ بچرخانند و بعد قفل فرمان را بزنند. اگر فرمان صاف باشد، من با همان فرمان صاف، ماشین را می‌دزد. دزدگیر فقط برای پشت پنجره خوب است و کارایی زیادی ندارد. اگر مردم از قفل و بند خوبی برای امنیت ماشین استفاده کنند، حداقل تا ۸۰ درصد از سرقت جلوگیری می‌شود. متأسفانه خیلی‌ها بی‌دقت هستند و ماشین‌شان را رها می‌کنند و می‌روند.»

بعد با لحن نسبتاً عصبانی ادامه می‌دهد: «می‌خواهید همین الان بروم و ده تا ماشین بیاورم؟ بیاوید در خیابان راه برویم و نگاه کنید بسیاری از ماشین‌ها نه قفل فرمان دارند و نه قفل زنجیر. همین‌طوری به امان خدا رها کرده و رفته‌اند. می‌خواهید در چند تا از آنها را باز کنم و دو ساعت روی سقفش بنشینم؟ من خیلی وقت‌ها می‌دیدم طرف ماشینش را همین‌طوری قفل می‌کند و می‌رود. ماشینش را برمی‌داشتم و در کوچه دیگری می‌گذاشتم تا به خودش بیاید و به امنیت آن فکر کند.»

آن‌طور که کیومرث توضیح می‌دهد، دزدگیر تصویری به نظر بسیاری از مردم، خیلی مطمئن است، اما او ادعای عجیبی در مورد این دزدگیر دارد: «دزدگیر تصویری با مارکی که اغلب تصور می‌کنند خوب است، دزدگیری است که همه قبولش دارند. ولی ایرادی از این دزدگیر گرفته‌ام که ماشین‌های دارای این نوع دزدگیر را خیلی بهتر می‌توان از سایر ماشین‌ها دزدید. با نمایندگی این شرکت در مورد ایرادش مکاتبه کرده‌ام. اگر توجه نکنند، فیلمی از ایراد آن می‌گیرم و در اینستاگرام قرار می‌دهم. در این صورت، دیگر کسی این دزدگیر را نمی‌خرد. هر کسی هم خریده پس می‌دهد و بعد جنس‌های‌شان در انبار تلنبار می‌شود و باید آنها را آتش بزنند.»

وقتی کیومرث اینها را تعریف می‌کند، وجودش مچاله و خُرد می‌شود. اشك به چشمانش می‌نشیند. دیگر هیچ غروری در نشستن، چشم‌ها و حرکات دست و پایش دیده نمی‌شود. صدایش پُر قدرت نیست. رویش را برمی‌گرداند و عينك آفتابی همیشگی‌اش را از چشمانش برمی‌دارد. اشك‌هایش را پاك می‌کند و بعد با صدای بسیار آرامی ادامه می‌دهد: «بارها دستگیر شدم و به زندان رفتم. نزدیک به ده سال از عمرم در زندان گذشت، اما با صحبت‌های رئیس سابق شعبه سرقت خودرو در آگاهی شاپور، دست از سرقت برداشتم. مرد بسیار شریفی بود. با لحن دلسوزانه‌ای به من گفت این چه کاری است که با خودت می‌کنی. دائم دستگیر می‌شوی و بعد به زندان می‌روی. ادامه نده. بعضی‌ها طوری با توپ و تشر مرا از سرقت منع می‌کردند که برای انجام آن بیشتر تحريك می‌شدم. يك بار که تازه می‌خواستم به زندان بروم، دخترم را آورد و دیدم. فكريش را هم نمی‌کردم او را بیاورد. دخترم را که دیدم، از نظر روحی حسابی بهم ریختم. بعد از آن تا الان که هفت سال می‌شود، دیگر سراغ سرقت خودرو نرفتم و به قولم وفا کردم.»

کل‌کل با پلیس

امرار معاش از طریق سرقت ماشین اتهامی است که کیومرث آن را به شدت رد می‌کند و می‌گوید این وصله‌ها به او نمی‌چسبد و ۳۰ سال سرقت را فقط به عشق هیجان و نه برای به دست آوردن پول مرتکب شده است. «يك ماشین خوب سرقت می‌کردم و با همان ماشین آن قدر در خیابان‌ها ویراژ می‌دادم تا پلیس دنبالم بیفتد. همیشه گلوله و چند الگانس پلیس پشت سرم بود. گلوله به شیشه و لاستيك ماشین می‌خورد و ماشین از دست می‌رفت و هرطور بود فرار می‌کردم تا گیر نیفتم. همیشه موقعی که خواب بودم، دستگیر می‌شدم.»

سرت، زندگی‌ام را فنا کرد

یادآوری برخی خاطرات، روح و روان کیومرث را بدجور می‌خراشد. تا سال ۹۱ او با وجود داشتن همسر و دختر کوچک همچنان دست به سرقت می‌زد. «سرقت و مال حرام زندگی‌ام را نابود کرد. مالی که چشم دنبالش باشد، زندگی را ویران می‌کند. بعد از ده سال زندگی مشترک، زن و بچه‌ام ترکم کردند و رفتند. مادرم و برادرم فوت کردند. هرکاری که کرده بودم، خیرش را ندیدم. حتی چیزهای حلالی هم که داشتم سوخت و رفت. چند سال افسردگی گرفتم. از شرایط خیلی ناراحت بودم و همیشه می‌گفتم خدایا چرا سرنوشت من این‌طور است؟ چه گناهی کرده‌ام که باید دزد باشم؟ چرا شغل آبرومند ندارم؟»

مدعی بهترین دست فرمان در ایران

رانندگی مهارتی است که خیلی‌ها دوست دارند در آن حرفی برای گفتن داشته باشند. کیومرث هم جزو همین افراد است و ادعا می‌کند بهترین دست فرمان را در ایران دارد. «بعضی‌ها فکر می‌کنند اگر خوب لایب بکشند، راننده خوبی هستند. با اطمینان می‌گویم کسی در ایران وجود ندارد که بتواند در رانندگی با من رقابت کند. چون ۳۰ سال تمام کارم تعقیب و گریز بوده است.

حاضرم با هر کسی که در رانندگی ادعایش می‌شود، مسابقه بدهم. من عضو ارشد فدراسیون اتومبیلرانی هستم. از من تست گرفتند و رانندگی کردم دیدند کارم رانندگی است، اما بعضی‌ها اجازه نمی‌دهند در پیست باشم و خودی نشان

دهم، می‌تسند جای‌شان را بگیرم. آنها ۵۰۰ میلیون تومان گیربکس روی ماشین کار گذاشته‌اند، خب معلوم است که این ماشین خوب گاز می‌خورد، اما مهارتشان در رانندگی چنگی به دل نمی‌زند. در فدراسیون هم گفته‌ام راننده‌ای ندارید که بتواند با من کل بیندازد. اگر دارید بگویید جلو بیاوید. فدراسیون به من می‌گوید تو راننده نیستی. باشد! قبول راننده نیستم. من به عنوان دزد فرار می‌کنم و آنها اگر می‌توانند بیاوید مرا بگیرند.»

کیومرث فقط يك آرزو دارد. آن هم این‌که مردم از هنرش در رانندگی حمایت کنند. او آن قدر از خودش مطمئن است که می‌گوید اگر در میان مردم شناخته شوم، این قدرت را دارم تا نام ایران را در رانندگی در دنیا بر سر زبان‌ها بیندازم.

یک مدل دزدگیر هست که ایمنی ندارد اما همه به تصور تصویری بودنش آن را می‌خرند و خودرویشان راحت سرقت می‌شود

